

**The Supreme Leader's discourse
in light of the JCPOA towards Western powers**

Meysam Barazandeh Department of International relations ,ZAH.C, Islamic Azad University,Zahedan,Iran. Email: barazandeh.m72@gmail.com

Soltanali Mir Corresponding Author, Department of International relations ,ZAH.C, Islamic Azad University,Zahedan,Iran. Email: 5339079287@iau.ir

Ahmadreza Taheri Department of International relations ,ZAH.C, Islamic Azad University,Zahedan,Iran. Email: taheri.political@gmail.com

Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

Diplomacy,
JCPOA (Joint
Comprehensive Plan
of Action),
Resistance Discourse,
Resistance Economy,
Western Powers

ABSTRACT

The main focus of this research is to explain and analyze these relations based on the discursive principles of the Supreme Leader of the Islamic Revolution, who has always emphasized key foundations such as “*distrusting the West*,” “*relying on domestic capabilities*,” “*remaining vigilant against infiltration*,” and “*preserving national interests and sustainable security*.” The article demonstrates that the JCPOA experience—particularly the unilateral withdrawal of the United States from the agreement in 2018 and the failure of European countries to uphold their commitments—clearly confirmed the accuracy of the Supreme Leader’s strategic analysis regarding the untrustworthy and treaty-breaking nature of Western governments. An examination of recent developments also supports the notion that any illusion or tendency toward Western dependence in diplomacy not only fails to solve economic problems but further pushes the country into passivity and deeper dependency. The findings of this study indicate that successful diplomacy vis-à-vis the West must be based on “*interaction from a position of strength*” and “*complete independence*,” rather than on supplication or compromise. The discourse of the Supreme Leader, rooted in political realism and avoidance of undue optimism, outlines a roadmap in which negotiations serve merely as a tactical tool and should never replace the overarching strategy of strengthening domestic capabilities. Ultimately, adherence to the Leader’s discursive principles serves as a safeguard against repeating the bitter experiences of the JCPOA and ensures lasting security and sustainable progress for the Islamic Republic of Iran in the international arena...

Cite this Article: Brazandeh, M. , Mir, S. and Taheri, A. (2025). The Supreme Leader's discourse in light of the JCPOA towards Western powers. *International Relations Researches*, 15(1), 293-311doi: [10.22034/irr.2026.576414.2831](https://doi.org/10.22034/irr.2026.576414.2831)



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: [doi: 10.22034/irr.2026.576414.2831](https://doi.org/10.22034/irr.2026.576414.2831)

گفتمان مقام معظم رهبری در پرتو برج‌نام نسبت به قدرت‌های غربی

میثم برازنده، گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

رایانامه: barazandeh.m72@gmail.com

سلطانعلی میرنویسنده مسئول، گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

رایانامه: 5339079287@iau.ir

احمد رضا طاهری، گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

رایانامه: taheri.political@gmail.com

| درباره مقاله | چکیده |
|--|--|
| نوع مقاله: مقاله پژوهشی | برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) به عنوان یکی از پیچیده‌ترین و پرچالش‌ترین موضوعات در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، همواره محل مناقشه میان دیدگاه‌های مختلف در عرصه دیپلماسی بوده است. این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی، به ارزیابی عملکرد دیپلماسی ایران در تعامل با دولت‌های غربی در ماجرای برجام می‌پردازد. محور اصلی این پژوهش، تبیین و تحلیل این روابط بر اساس محورهای گفتمانی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) است که همواره بر اصولی چون «اعتماد نکردن به غرب»، «تکیه بر توان داخلی»، «هوشیاری در برابر نفوذ» و «حفظ منافع ملی و امنیت پایدار» تأکید داشته‌اند. در این مقاله نشان داده می‌شود که تجربه برجام، به‌ویژه خروج یکجانبه ایالات متحده آمریکا از این توافق در سال ۱۳۹۷ و عدم پایبندی کشورهای اروپایی به تعهداتشان، به وضوح صحت و درستی تحلیل‌های راهبردی رهبر انقلاب را مبنی بر ماهیت پیمان‌شکن و غیرقابل‌اعتماد دولت‌های غربی به اثبات رساند. بررسی تحولات سال‌های اخیر نیز مؤید این نکته است که هرگونه توهم‌زدگی و غرب‌گرایی در دیپلماسی، نه تنها منجر به حل مشکلات اقتصادی نمی‌شود، بلکه کشور را در وضعیت انفعال و وابستگی عمیق‌تر قرار می‌دهد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که دیپلماسی موفق در برابر غرب، دیپلماسی مبتنی بر «تعامل از موضع قدرت» و «استقلال کامل» است، نه دیپلماسی مبتنی بر التماس و سازش. گفتمان رهبر انقلاب با تأکید بر واقع‌بینی سیاسی و پرهیز از خوش‌بینی‌های بی‌جا، نقشه راهی را ترسیم کرده است که در آن مذاکره تنها یک ابزار تاکتیکی است و نباید جایگزین استراتژی‌های کلان تقویت توان داخلی شود. در نهایت، پیروی از محورهای گفتمانی رهبری، ضامن جلوگیری از تکرار تجربیات تلخ برجام و تضمین‌کننده امنیت و پیشرفت پایدار جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌الملل خواهد بود. |
| کلیدواژه‌ها: دیپلماسی، برجام، گفتمان مقاومت، اقتصاد مقاومتی، قدرت‌های غربی | |
| تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۳۱ | |

استناد به این مقاله: برازنده، میثم، میرسلطانعلی و طاهری، احمد رضا. (۱۴۰۴). گفتمان مقام معظم رهبری در پرتو برج‌نام نسبت به قدرت

های غربی. پژوهش‌های روابط بین الملل، ۱۱۵(۱)، ۲۹۳-۳۱۱

doi: 10.22034/irr.2026.576414.2831

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین الملل



دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران همواره با چالش‌های پیچیده‌ای در تعامل با قدرت‌های جهانی، به‌ویژه دولت‌های غربی مواجه بوده است. در میان پرونده‌های متعدد سیاست خارجی، موضوع برنامه هسته‌ای ایران و منجر شدن آن به توافق‌نامه‌ای موسوم به برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) در سال ۱۳۹۴، یکی از حساس‌ترین و پرحاشیه‌ترین دوره‌های دیپلماسی کشور را شکل داد. این رویداد نه تنها یک معاهده حقوقی بین‌المللی بود، بلکه میدانی برای تضاد گفتمان‌های مختلف در داخل ایران درباره نحوه تعامل با غرب بود. در حالی که برخی جریان‌ها، توافق با قدرت‌های غربی را راهکاری نهایی برای حل معضلات اقتصادی و بین‌المللی می‌پنداشتند، مقام معظم رهبری با بینشی استراتژیک و عمیق، هشدارهای جدی را درباره ماهیت دولت‌های غربی و شیوه تعامل با آن‌ها ارائه دادند (Katouzian, 2019: 52).

در این میان، گفتمان مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به عنوان پشتوانه نظری و راهبردی اصلی نظام، نقشی تعیین‌کننده در ترسیم خطوط قرمز و جهت‌گیری کلی دیپلماسی ایرانی ایفا کرده است. ایشان با تدوین محورهای گفتمانی مشخص، نقشه‌راهی را ترسیم کردند که بر اساس آن، دیپلماسی ایرانی باید ضمن حفظ انعطاف‌پذیری تاکتیکی برای دفاع از حقوق ملت، از اصول استراتژیک و ارزش‌های انقلابی غافل نماند. این گفتمان بر اصولی چون «بی‌اعتمادی بنیادین به غرب»، «تکیه بر توان داخلی و اقتصاد مقاومتی»، «هوشیاری در برابر نفوذ» و «حفظ دستاوردهای علمی و امنیت ملی» استوار است (Mousavi,

Esfahani, 2016: 80) یکی از ارکان اصلی این گفتمان، تأکید بر اصل «بی‌اعتمادی به دولت‌های استکباری» است که ریشه در شناخت تاریخی و سوابق نقض عهد دولت‌های غربی دارد. رهبر انقلاب همواره تصریح کرده‌اند که دشمن‌شناسی و بی‌اعتمادی به معنای دشمنی با ملت‌ها نیست، بلکه ناشی از واقع‌بینی سیاسی است. در موضوع برجام، این محور به معنای آن بود که نباید به تعهدات شفاهی یا حتی کتبی غربی‌ها بدون تضمین‌های اجرایی و پشتوانه عینی اعتماد کرد. پژوهش‌های متعدد در حوزه روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که در سیاست خارجی آمریکا، منافع ملی همواره بر تعهدات بین‌المللی اولویت دارد که این امر صحت سنجش رهبری را تأیید می‌کند (Amiri, 2022: 8). علاوه بر بعد بی‌اعتمادی، محور دیگر گفتمان رهبری، لزوم پرهیز از «توهم‌زدگی» و «غرب‌گرایی» است. ایشان بارها نسبت به کسانی که گمان می‌کردند با توافق برجام، همه مشکلات ایران حل خواهد شد و غرب به دوستی استراتژیک تبدیل می‌شود، هشدار دادند. این نگاه انتقادی بر این باور است که وابستگی ذهنی و عاطفی به غرب، مانع از استفاده از ظرفیت‌های داخلی می‌شود و کشور را در وضعیت انتظار و انفعال قرار



می‌دهد. کارشناسان معتقدند که این رویکرد واقع‌بینانه، ضامن جلوگیری از زیان‌دهی مذاکرات و حفظ عزت ملی در عرصه بین‌الملل است (Rezaei, 2019, 26). در نهایت، این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی، به دنبال آن است که عملکرد دیپلماسی ایران در تعامل با دولت‌های غربی در ماجرای برجام را ارزیابی کند. سوال اصلی این است که تکیه بر محورهای گفتمانی رهبر انقلاب چگونه بر شکل‌گیری و نتایج مذاکرات تأثیر گذاشت؟ و مهم‌تر از آن، تجربه برجام چه درس‌هایی برای دیپلماسی آینده جمهوری اسلامی ایران در پیشگاه دارد؟ این پژوهش تلاش می‌کند نشان دهد که چگونه رعایت دقیق این سند راهبردی توسط مذاکره‌کنندگان ایرانی، می‌تواند ضامن حفظ منافع ملی باشد و هرگونه انحراف از آن، منجر به بروز بحران و خسارت شود.

۱. رهیافت تحلیلی: تحلیل گفتمان

نظریه گفتمان فوکو بر روابط قدرت در گفتار و رابطه بین دانش و قدرت می‌پردازد، به باور فوکو سلطه مستلزم گفتمان سلطه است و مقاومت در برابر آن نیز گفتمان مبارزه و مقاومت را می‌طلبد. فوکو در مباحث تبارشناسانه خود سه چهره قدرت را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد: «قدرت گفتمانی»، «قدرت دیسیپلینی» (یا قدرت سازمانی) و «قدرت مشرف بر زندگی». قدرت گفتمانی و قدرت دیسیپلینی به ترتیب با تعاریف هابز و ماکیاولی از قدرت یکسان است و در زمره رهیافت کلاسیک «قدرت» قرار می‌گیرد، منتها «قدرت مشرف بر زندگی» بر وجوه منتشر، سیال و شبکه‌ای قدرت تأکید می‌کند که بیان‌گر رهیافتی نوین است. قدرت معطوف بر حیات از این منظر عبارت است از «تنظیم فزاینده امور در همه حوزه‌ها با بهانه پشبرد رفاه فرد و جمعیت. از دیدگاه تبارشناسی این نظم خود را به صورت روش عملی باز می‌نماید که هیچ‌کس هدایت آن را در دست ندارد و همه به نحو فزاینده‌ای در آن گرفتار می‌شوند و غایت آن افزایش صرف قدرت و تثبیت سامان نظم است» (Tajik, 2003: 78). از دید فوکو تنها در سده هفدهم است که «قدرت مشرف بر حیات» به مثابه تکنولوژی جدیدی مطرح می‌شود که با شیوه‌ها و ابزارهای سنتی اعمال قدرت فرق دارد. در بطن «قدرت مشرف بر زندگی» دو شیوه اعمال قدرت عمل می‌کند ۱. تکنولوژی انضباطی ۲. تکنولوژی معطوف به خود. به باور فوکو همان‌گونه که علوم طبیعی و تجربی به تولید تکنولوژی منتهی می‌شود، شبه علوم و علوم انسانی نیز به تولید «تکنولوژی قدرت» منجر می‌شوند. به باور فوکو تنها در سده هفدهم است که «قدرت مشرف بر حیات» به مثابه تکنولوژی جدیدی مطرح می‌شود که از بسیاری جهات با نحوه کلاسیک اعمال قدرت متمایز است. نظریه قدرت او نیز عمدتاً در دو اثر مراقبت و تنبیه و جلد اول تاریخ روابط جنسی آمده است که در آن‌جا مفهوم قدرت



مشرف بر حیات را بسط و توسعه می‌دهد. این دو اثر در چند موضوع اشتراک دارند؛ «یکی بحث از قدرت است که در هر دو اثر به منزله موضوعی محوری مورد تحلیل قرار گرفته است. دوم، در هر دو اثر قدرت نه به عنوان نیروی سرکوب‌گر بلکه به مثابه کارمایه مثبت و مولد معرفی شده است». تعبیر بدیع و پیچیده فوکو در باب قدرت از بطن چنین رویکردی بیرون آمده و بسط می‌یابد و در نهایت به آناتومی سیاسی بدن و بازآفرینی خود به مثابه سوژه منتهی می‌شود. این رویکرد در مقابل مفهوم‌پردازی مکانیکی، ابزاری و انباشتی رهیافت کلاسیک قرار می‌گیرد (Zamiran, 2005: 83-84).

از این منظر قدرت، یک استراتژی است و چیزی نیست که در مالکیت دولت، طبقه حاکم و یا شخص خاص باشد؛ طرح عمومی و تبلور نهادینه شده این استراتژی‌ها در دستگاه‌های دولتی، شکل‌گیری قانون و برتری‌های اجتماعی تجسم می‌یابد. در واقع قدرت نه یک نهاد و نه یک ساختار بلکه تعدد روابط نیروهایی است که تداوم بخش سازمان خود هستند. این روابط نابرابر و سیال در سطوح مختلف به شیوه‌های نامنظم توزیع شده‌اند و بی‌وقفه حالت‌های بی‌ثبات و محلی قدرت را پدید می‌آورد، از این رو در تحلیل قدرت نمی‌بایست، اقتدار دولت یا وحدت کلی نظام سلطه را «به‌عنوان داده‌های اولیه فرض کرد، این‌ها فقط شکل‌های نهادی قدرت هستند» (Tajik, 2003: 80). عوامل و زمینه‌های زیادی در خیزش یک خرده‌گفتمان و منازعه با خرده‌گفتمان‌های دیگر نقش دارد. گفتمان‌ها معمولاً در اثر همین تحولات است که به تدریج اعتبار و دسترسی خود را از دست می‌دهند. بحران‌ها و دشواری‌های موجود در نظام بین‌المللی، هژمونی گفتمان غالب را به چالش می‌کشد و هویت‌یابی نیروهای اجتماعی با گفتمان حاکم را به خطر می‌اندازد و زمینه را برای پیدایی گفتمانی دیگر فراهم می‌آورد. فوکو رهیافت کلاسیک را به انتقاد مدل «حقوقی-گفتمانی» می‌خواند. «در این مدل، قدرت ابزاری است در مالکیت دولت (به‌ویژه قانون) که برای تحمیل نظم به جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

براساس این نظریه قدرت یا متضمن بازدارندگی مشروعی که بر مبنای قرارداد قانونی ایجاد شده (در نظر لیبرال‌ها) و یا به معنی قانونگذاری و نظارت سرکوبگرانه برای حفظ سلطه طبقاتی (در نظر رادیکال‌ها) است. به هر جهت، قدرت ذاتاً سلبی، محدود کننده و بازدارنده است» (Nash, 2005: 39-41). از این جهت رهیافت کلاسیک عمیقاً مبتنی بر ایده سرکوب است. به طور مثال این فرضیه وجود دارد که قدرت در طول تاریخ تمایل جنسی را سرکوب کرده است. «فرضیه سرکوب در سنتی ریشه دارد که قدرت را صرفاً محدودیت، نفی و اجبار می‌داند... قدرت این کار را از طریق سرکوب امیال، ایجاد آگاهی کاذب، ترویج ناآگاهی و نادانی و کاربرد بسیاری نیرنگ‌های دیگر انجام می‌دهد». روش نورمن فرکلاف در



تحلیل گفتمان در رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) قرار می‌گیرد که به زعم ماریان یورگنسن و لوئیس فیلیپس، همگی پنج خصلت مشترک دارند (Jørgensen and Phillips, 2002, 61-64): خصلت ساختارها و فرایندهای اجتماعی و فرهنگی تا حدی زبانی-گفتمانی است. گفتمان هم تأسیس‌کننده^۱ است و هم تأسیس‌شده^۲. استفاده از زبان باید در درون بافت اجتماعی‌اش تحلیل شود. کارکردهای گفتمان، ایدئولوژیک است. تحلیل گفتمان انتقادی مقید به پژوهش انتقادی با هدف رهایی‌بخشی است. اما، رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی علی‌رغم این اشتراکات، دارای تفاوت‌هایی هم هستند که این تفاوت‌ها سبب می‌شود تا از قابلیت‌های یکسانی برای تحلیل متن برخوردار نباشند. رویکرد نورمن فرکلانف در مقایسه با سایر رویکردها، از بیشترین عمق در تحلیل متن بهره‌مند است. چرا که مبنای تحلیل متن را خصلت‌های واژگانی و دستوری قرار داده است. او در گام اول به منظور «توصیف» متن به بررسی خصلت‌های واژه‌ها، دستور زبان، نقطه‌گذاری، گونه‌های کنش‌گفتار که از حیث بیانی مستقیم یا غیرمستقیمند، خصلت‌های مرتبط با ساختار تعاملات و در نهایت خصلت‌های غیرزبانی متن، می‌پردازد (Fairclough, 1996: 109). وجه ایجابی و مولد قدرت مدرن از نظر فوکو کارویژه‌ای اصلی است و از این منظر پدیده «جنسیت» به گونه‌ای که در جامعه غربی معاصر فهمیده می‌شود محصول قدرت است نه این که قدرت سرکوب‌کننده جنسیت باشد. بدین معنا سوژه جنسی مدرن از طریق قرارگرفتن در «چارچوب گفتمان» خلق می‌شود، و قدرت با حضور سیال و فراگیری که دارد، به دانش و گفتمان شکل می‌دهد و همچنین تولید لذت می‌کند. قدرت گفتمان خاص خود را خلق می‌کند، لذا مبارزه سیاسی در عرصه بین‌المللی مبارزه گفتمانی نیز هست، بر این اساس با استفاده از متغیرهایی که در این رهیافت نظری برجسته است به گفتمان رهبری درباره غرب در پرتو تجربه برجام پرداخته می‌شود.

۲. دال‌های گفتمان سیاست خارجی مقام معظم رهبری آیت الله خامنه‌ای

انقلاب اسلامی در ایران، نه تنها سامان سیاسی جدیدی در قالب نظام جمهوری اسلامی به ارمغان آورد، بلکه مجموعه به هم پیوسته‌ای از مفاهیم، واژه‌ها و ادبیات جدیدی را در شعاع مرزهای جغرافیایی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح نمود. در این راستا گفتمان مقام معظم رهبری در پرتو انقلاب اسلامی دال‌های متعالی برای ره‌نمایی جمهوری اسلامی ایران شکل داده است. نشانه‌های این گفتمان را می‌توان

1 Constitutive
2 constituted



در بخش نفی یا سلبی آن مقاومت و سلطه‌ستیزی دانسته و عدالت، صلح‌طلبی، معنویت و عقلانیت را به‌مثابه نشانه‌های ایجابی آن در نظر آورد. بر همین مبنا این گفتمان در عرصه جهانی، منتقد جدی روابط سلطه و نابرابری بوده و همواره خود را مدافع مستضعفان در برابر جبهه استکبار می‌داند، در همین راستا نیز نظم عادلانه بین‌المللی را به‌عنوان نظم مطلوب عرضه می‌دارد در بیانات متعدد مقام معظم رهبری، محورهای روشنی را برای تعامل با دولت‌های غربی و به طور خاص در ماجرای مذاکرات هسته‌ای ترسیم کرده‌اند.

۲-۱. دال بی اعتمادی به قدرت‌های سلطه‌گر

یکی از ارکان اساسی و غیرقابل‌گذر در گفتمان مقام معظم رهبری در تعامل با قدرت‌های غربی، اصل «بی‌اعتمادی» است که ریشه در شناخت عمیق تاریخی و واقع‌بینی سیاسی دارد. رهبر انقلاب همواره تأکید داشته‌اند که اعتماد به دولت‌هایی چون آمریکا و متحدان اروپایی آن، تجربه‌ای تلخ و پرهزینه در تاریخ معاصر ایران بوده است. این بی‌اعتمادی به معنای قطع رابطه یا دشمنی با ملت‌ها نیست، بلکه ناشی از درک ماهیت سلطه‌جویانه و استکباری حاکم بر سیاست‌های غرب است که در آن منافع قدرت‌های بزرگ بر تعهدات اخلاقی و بین‌المللی اولویت دارد (Katouzian, 2019: 55). در این دیدگاه، هرگونه توافق یا مذاکره باید با این پیش‌فرض آغاز شود که طرف مقابل ممکن است در هر لحظه تعهدات خود را نقض کند. در موضوع برجام، این محور گفتمانی به عنوان یک خط قرمز راهبردی عمل کرد. مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های متعدد، به مذاکره‌کنندگان ایرانی تأکید کردند که نباید تحت تأثیر لبخندها یا وعده‌های طرف غربی قرار گیرند و باید همواره با بدبینی مثبت و احتیاط کامل رفتار کنند. ایشان معتقدند که سیاست‌های آمریکا و اروپا علیه ایران ریشه در دشمنی با اصل «انقلاب و اسلام» دارد و تغییر رفتار آن‌ها تنها در گره تغییر ماهیت نظام اسلامی است، نه تغییر رفتار ایران. این نگاه مانع از آن شد که ملت ایران در دام توطئه‌های دیپلماتیک قرار گیرد و به وعده‌های پوچ برای بهبود روابط پس از توافق دل ببندد (Mousavi Esfahani, 2016: 13).

تجربه تاریخی نشان داده است که دولت‌های غربی، به‌ویژه ایالات متحده، در پرونده‌های مختلفی از جمله کودتای ۲۸ مرداد، قطعنامه ۵۹۸ و تحریم‌های ظالمانه، بارها اصل «وفای به عهد» را زیر پا گذاشته‌اند. کارشناسان روابط بین‌الملل معتقدند که در ادبیات سیاسی غرب، منافع ملی بر پیمان‌ها تقدم دارد و این امر صحت تحلیل‌های رهبری را تأیید می‌کند. خروج یکجانبه آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷،



علیرغم تأییدیه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از پایبندی ایران، بهترین شاهی است که ثابت کرد بی‌اعتمادی به غرب، یک احتیاط منطقی و نه یک بدبینی کورکورانه بوده است (Amiri, 2022: 19). این اصل گفتمانی همچنین بر لزوم داشتن «گزینه‌های روی میز» و تکیه بر توان داخلی تأکید دارد. رهبر انقلاب بیان کرده‌اند که اگر کشور به گره‌های خارجی دل ببندد و امید به رفع تحریم‌ها داشته باشد، در عمل از تقویت بنیه داخلی غافل می‌شود. بی‌اعتمادی به غرب باعث می‌شود که دیپلماسی ایرانی همواره برای روزهای سخت آماده باشد و امنیت کشور را به امضای کاغذهایی گره نزند. پژوهش‌های امنیتی نشان می‌دهد که قدرت چانه‌زنی در عرصه بین‌الملل، رابطه مستقیمی با استقلال و قدرت داخلی دارد و وابستگی به غرب، ابزار فشار را در دست دشمن قوی‌تر می‌کند (Rezaei, 2019, 105). در نهایت، اصل بی‌اعتمادی به دولت‌های استکباری، ضامن حفظ استقلال و عزت ملی در دیپلماسی جمهوری اسلامی است. این نگاه مانع از عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی و جلوگیری از نفوذ فرهنگی و سیاسی غرب در بدنه نظام می‌شود. رهبر انقلاب معتقدند که تنها راه تعامل سالم با غرب، تعامل از موضع قدرت و بدون توهم است. این رویکرد واقع‌بینانه به مسئولان اجازه می‌دهد تا در عین انعطاف‌پذیری تاکتیکی در مذاکرات، اصول استراتژیک خود را قربانی منافع زودگذر نکنند و مسیر پیشرفت کشور را با تکیه بر توان ملت ادامه دهند (Dehghan, 2018: 16).

۲-۲. دال خودتکایی و عدم اتکا به قدرت‌های خارجی

این واقعیت است که حل مشکلات اقتصادی و سیاسی کشور نباید به گره خوردن به توافق‌های خارجی وابسته باشد. در سال‌های اخیر، به‌ویژه با گذشت زمان و عدم تحقق وعده‌های غرب در ماجرای برجام، صحت این دیدگاه بیش از پیش آشکار شده است. رهبر انقلاب همواره هشدار داده‌اند که «اگر به برجام دل ببندید، کار کشور خراب می‌شود» و راه نجات را در تقویت «اقتصاد مقاومتی» می‌دانند. در این دیدگاه، دیپلماسی باید در خدمت توانمندسازی داخلی باشد، نه اینکه جایگزین آن شود. تحلیل‌های جدید در سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که کشورهایی که بر توان بومی تکیه کرده‌اند، در برابر تکان‌های خارجی مقاوم‌تر بوده‌اند (Amiri, 2022: 22). در سال ۱۴۰۲، با وجود تلاش‌هایی برای احیای برجام در وین، دولت‌های غربی با زیاده‌خواهی‌های جدید و عدم تضمین‌های لازم، عملاً میز مذاکره را ترک کردند. این روند تأییدکننده دیدگاه رهبر انقلاب مبنی بر این بود که «آمریکا و غرب قابل اعتماد نیستند» و تنها راه نجات، تکیه بر توان داخلی و نادیده گرفتن توهم مذاکره برای حل مشکلات اساسی است. کارشناسان اقتصادی در این سال معتقد بودند که وابستگی به فروش نفت و ارتباطات بانکی با غرب، نقطه ضعف



بزرگی است که دشمنان همواره از آن برای اعمال فشار استفاده می‌کنند و باید با توسعه صادرات غیر نفتی و همسایگی، این وابستگی را شکست (Rezaei, 2023, 28).

با ورود به سال ۱۴۰۳، تمرکز بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با شعار «جهش تولید» و رفع موانع تولید شد. مقام معظم رهبری در دیدارهای متعدد با مسئولان در این سال، بر لزوم استفاده از ظرفیت‌های خالی تولید و جلوگیری از واردات کالاهایی که مشابه داخلی دارند، تأکید ورزیدند. این رویکرد نشان داد که اقتصاد مقاومتی تنها یک شعار نیست، بلکه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای خنثی‌سازی تحریم‌هاست. پژوهش‌های انجام شده در سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که بخش‌هایی از اقتصاد که از تحریم‌ها مستقل بودند، رشد قابل توجهی داشتند که این امر مؤید اهمیت استقلال اقتصادی است (Mousavi, 97: 2022). در عرصه دیپلماسی، اقتصاد مقاومتی راهبردی را دنبال می‌کند که بر «نگاه به شرق» و توسعه همکاری‌ها با کشورهای مستقل و همسو تأکید دارد. کاهش وابستگی به سیستم بانکی و تجاری غرب، مستلزم تنوع‌بخشی به شرکای تجاری و اتصال به بازارهای نوظهور آسیایی و اوراسیایی است. رهبر انقلاب بارها تصریح کرده‌اند که دنیا به سمت چندقطبی شدن می‌رود و سلطه غرب در حال فروپاشی است. در سال ۱۴۰۳، پیوستن ایران به سازمان شانگ‌های و توسعه روابط با همسایگان، گامی عملی در جهت تحقق این بخش از گفتمان رهبری بود که اجازه نمی‌دهد غرب با انحصار تکنولوژی و بازارها، کشور را تحت فشار قرار دهد (Kazemi, 2024: 107).

در نهایت، ارزیابی عملکرد دولت‌های غربی در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ نشان داد که تکیه بر توان داخلی، تنها راهکار پایدار برای برون‌رفت از بحران‌هاست. غربی‌ها تلاش دارند با ایجاد فشار اقتصادی، نارضایتی عمومی ایجاد کرده و اهداف سیاسی خود را پیش ببرند. اما وقتی اقتصاد کشور بر پایه تولید و توان داخلی بنا شده باشد، تاثیرپذیری جامعه از نوسانات سیاسی خارجی کاهش می‌یابد. تجربه این دو سال درس داد که پیروی از محورهای گفتمانی رهبری در حوزه اقتصاد، تنها راه برای برون‌رفت از بحران‌های فعلی و جلوگیری از وابستگی مزمن به غرب است (Mohammadi, 2024: 10).

۲-۳. دال مقابله با نفوذ قدرت‌های خارجی

یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین محورهای گفتمانی مقام معظم رهبری در جریان مذاکرات هسته‌ای و موضوع برجام، هشدار نسبت به خطر «نفوذ» است. ایشان نفوذ را خطرناک‌تر از حمله نظامی می‌دانند، زیرا نفوذ مانند کرم ابریشم، از درون سیستم را خالی کرده و بنیان‌های فکری و امنیتی نظام را تضعیف می‌کند. در دیدگاه رهبری، دولت‌های غربی تلاش دارند از طریق مذاکرات طولانی‌مدت و ایجاد



شبکه‌های ارتباطی، عنصری را در داخل نظام شناسایی کنند که با نگاه لیبرالی و غرب‌گرا همسو باشند و آن‌ها را به موقعیت‌های کلیدی برسانند. این نوع نفوذ که می‌تواند منجر به تغییر در تصمیمات راهبردی کشور شود، نیازمند هوشیاری تمام‌قد دستگاه دیپلماسی و امنیتی است تا از تبدیل شدن مذاکره به ابزاری برای تغییر ساختارها جلوگیری شود (Mousavi Esfahani, 2016: 75).

توطئه‌های فرهنگی در قالب مذاکرات، ابعاد بسیار گسترده‌ای دارد که یکی از مصادیق آن، تلاش برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی یا تضعیف باورهای دینی مردم است. رهبر انقلاب همواره تأکید داشته‌اند که دشمن به دنبال این است که از طریق فشارهای اقتصادی و سیاسی، ملت ایران را به این نتیجه برساند که «اگر می‌خواهید مشکلات حل شود، باید از ارزش‌های خود دست بکشید». این جنگ روانی که در طول مذاکرات برجام شد، هدفش تضعیف اراده مقاومت مردم و مسئولان بود. مقالات متعددی در حوزه امنیت ملی نشان داده‌اند که غربی‌ها از ابزارهای نرم همچون ترویج سبک زندگی غربی و تردید در ایدئولوژی رسمی کشور به عنوان مکمل مذاکرات سخت استفاده می‌کنند تا هویت انقلابی نظام را فرسایش کنند (Rezaei, 2019, 64).

در گفت‌وگو با رهبری، مرز بین «تعامل سازنده» و «نفوذ پذیری» بسیار ظریف است و نیازمند دقت عمل بالا است. تعامل به معنای تبادل منافع و حل مشکلات است، اما نفوذ به معنای پذیرش خواسته‌های غیرقانونی دشمن یا تغییر خطوط قرمز نظام است. ایشان بارها به مذاکره‌کنندگان توصیه کرده‌اند که در هیاهوی رسانه‌ای و فشارهای دیپلماتیک، گارد خود را پایین نیاورند و اجازه ندهند زبان و ادبیات غربی در ادبیات سیاست خارجی ایران نفوذ کند. این هوشیاری شامل جلوگیری از امضای توافق‌نامه‌هایی است که می‌تواند در آینده به عنوان سندی برای محدود کردن قدرت دفاعی یا علمی ایران علیه خودش استفاده شود (Amiri, 2022: 116). تجربه تاریخی نشان داده است که غربی‌ها همواره از مذاکرات برای جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی نقاط ضعف طرف مقابل استفاده می‌کنند. در موضوع برجام، تلاش‌هایی برای دسترسی به اطلاعات محرمانه نظام دفاعی و امنیتی ایران تحت عنوان «شفافیت» صورت گرفت که با هوشیاری نهادهای مسئول خنثی شد. کارشناسان امنیتی معتقدند که دیپلماسی بدون امنیت، خودکشی است. بنابراین، هرگونه مذاکره‌ای باید با در نظر گرفتن اصول امنیتی و حفظ اسرار ملی پیش برود تا دشمن نتواند از خلأهای اطلاعاتی برای طراحی توطئه‌های آینده استفاده کند (Dehghan, 2018: 89).

در نهایت، راهکار مقابله با نفوذ و توطئه‌های فرهنگی-سیاسی، تقویت «بصیرت» در بدنه جامعه و مسئولان است. رهبر انقلاب معتقدند که اگر مردم و مسئولان بصیرت داشته باشند و اهداف شوم دشمن



را بشناسند، هیچ توطئه‌ای نمی‌تواند نظام را تهدید کند. این بصیرت مستلزم مطالعه تاریخ استکبار و شناخت روش‌های جدید استعمار است. کتب و مقالاتی که به تحلیل اسناد محرمانه غرب پرداخته‌اند، نشان می‌دهند که هدف نهایی دشمن، تغییر رفتار و هویت جمهوری اسلامی است، نه حل مسئله هسته‌ای. بنابراین، دیپلماسی ایرانی باید همواره با این واقع‌بینی همراه باشد که مذاکره تنها یک میدان است و میدان اصلی، میدان حفظ استقلال فرهنگی و سیاسی است (Shariatmadari, 2021: 50). در بحث هسته‌ای، رهبر انقلاب خطوط قرمزی را ترسیم کردند که نباید مورد معامله قرار گیرد. حفظ دستاوردهای علمی کشور و ادامه تحقیقات و توسعه (R&D) در چارچوب منافع ملی، از جمله مواردی بود که دیپلماسی ایرانی موظف به رعایت آن بود. ایشان تأکید کردند که مذاکره نباید به معنای عقب‌نشینی از پیشرفت‌های علمی و تضعیف امنیت پایدار کشور باشد (Ahadi, 2009: 84).

۲-۴. دال واقع‌بینی در شناخت قدرت های غربی

محور پنجم گفتمانی رهبری، نقد شدید رویکرد «توهم‌زدگی» و اعتماد افراطی به غرب است. ایشان بارها نسبت به کسانی که گمان می‌کردند با توافق برجام، همه مشکلات ایران حل خواهد شد و غرب به دوستی تبدیل می‌شود، هشدار دادند. رهبر انقلاب معتقدند که سیاست‌های آمریکا و اروپا علیه ایران ریشه در دشمنی با اصل «انقلاب و اسلام» دارد و تغییر رفتار آن‌ها تنها در گره تغییر رفتار ایران نیست. دیپلماسی آینده باید بر اساس واقع‌بینی و پرهیز از خوش‌بینی‌های بی‌جا شکل بگیرد و مسئولان باید بدانند که دشمن هرگز به دنبال منافع ملت ایران نیست، بلکه به دنبال منافع خودش است (Parsania, 2019: 60). در کنار توهم‌زدگی، پدیده «غرب‌گرایی» نیز یکی از آسیب‌های جدی است که گفتمان رهبری به شدت با آن مخالف است. غرب‌گرایی یعنی نگاه به غرب به عنوان الگوی مطلق برای پیشرفت و توسعه، و وابستگی ذهنی و عاطفی به تأیید و رضایت قدرت‌های غربی. برخی از جریان‌های سیاسی در ایران معتقد بودند که برای حل مشکلات اقتصادی و سیاسی، چاره‌ای جز سازش با غرب و پذیرش خواسته‌های آن‌ها وجود ندارد. رهبر انقلاب این رویکرد را نوعی عقب‌نشینی فرهنگی و سیاسی می‌دانند که عزت و استقلال ملت را خدشه‌دار می‌کند. ایشان تأکید دارند که تکرار تجربه تلخ دوران قاجار و پهلوی، که در آن کشور با تکیه به غرب عقب ماند، نباید در جمهوری اسلامی تکرار شود.

مقام معظم رهبری با تشبیه مذاکره با غرب به «مبارزه در میدان جنگ»، خواستار واقع‌بینی کامل تیم مذاکره‌کننده بوده‌اند. در این دیدگاه، طرف مقابل دشمنی است که برای شکستن اراده ملت ایران از تمام ابزارها، از جمله دروغ، فشار و وعده‌های پوچ استفاده می‌کند. پرهیز از توهم‌زدگی به این معناست که



مذاکره‌کننده ایرانی باید همواره نسبت به نیت‌های شوم دشمن هوشیار باشد و بداند که لبخند دیپلماتیک غربی‌ها، پنهان‌کننده دندان‌های تیز دشمنی است که به دنبال تضعیف توان نظامی و علمی ایران است. این هوشیاری، مانع از آن می‌شود که ملت ایران در دام توطئه‌های پیچیده دیپلماتیک گرفتار شود (Mohammadi, 2024: 87). عواقب غرب‌گرایی و توهم‌زدگی را می‌توان در ماجرای برجام به وضوح مشاهده کرد. کسانی که با توهم بهبود روابط پس از برجام، برنامه‌های اقتصادی کشور را متوقف کردند و تولیدکنندگان را در انتظار رفع تحریم‌ها نگه داشتند، عملاً به اقتصاد کشور ضربه زدند. وقتی آمریکا از برجام خارج شد و اروپا نیز تعهداتش را انجام نداد، این توهم‌ها فرو ریخت و مشخص شد که هیچ راه میان‌بری برای پیشرفت کشور وجود ندارد. رهبر انقلاب با پیش‌بینی این سناریو، بارها تأکید کرده بودند که نباید آینده کشور را به گره‌های خارجی گره زد و باید با تکیه بر توان داخلی، مسیر پیشرفت را هموار کرد (Rezaei, 2019, 44).

در نهایت، گفتمان رهبری بر این نکته تأکید دارد که دیپلماسی موفق، دیپلماسی مبتنی بر اعتماد به نفس و استقلال است، نه دیپلماسی مبتنی بر التماس و توهم. پرهیز از غرب‌گرایی به این معنا نیست که ایران با دنیا قطع رابطه کند، بلکه به این معناست که روابط باید بر اساس احترام متقابل و منافع ملی باشد، نه بر اساس ذلت و وابستگی. رهبر انقلاب معتقدند که اگر مسئولان از توهم‌زدگی رها شوند و به توان ملت ایران ایمان داشته باشند، می‌توانند در عرصه بین‌المللی سرافراز باشند و اجازه ندهند هیچ قدرتی برای آن‌ها تعیین تکلیف کند. این نگاه واقع‌بینانه، ضامن بقای و پیشرفت جمهوری اسلامی در برابر توطئه‌های دشمنان است.

۳. آثار گفتمان رهبری بر پارادایم مقاومت جمهوری اسلامی ایران در مساله هسته ای

ارزیابی عملکرد دیپلماسی ایرانی در دوران قبل و بعد از برجام نشان می‌دهد که هر زمان تیم مذاکره‌کننده با تکیه بر محورهای گفتمانی رهبری و با در نظر گرفتن اصل «بی‌اعتمادی» وارد مذاکره شده، توانسته است از حقوق ملت دفاع کند و توافقی را شکل دهد که حداقل‌ها را حفظ کند. توافق اولیه برجام اگرچه دارای نقاط ضعفی بود، اما به دلیل رعایت برخی خطوط قرمز (مانند عدم پذیرش ممنوعیت تحقیق و توسعه در حوزه نظامی و حفظ ساختار هسته‌ای)، حاصل همین هوشیاری بود (Dehghani, 2012: 50). Firouzabadi, 2012: 50) با این حال، خروج یکجانبه آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷ و عدم پایداری اروپا به تعهداتشان، دقیقاً صحت و درستی محورهای گفتمانی رهبری را مبنی بر «بی‌اعتمادی به غرب» و «لزوم داشتن گزینه‌های روی میز» به اثبات رساند. تجربه نشان داد که تکیه صرف بر توافق کاغذی



بدون توجه به توان داخلی و بدون در نظر گرفتن ماهیت سلطه‌جویانه غرب، نمی‌تواند ضامن امنیت و منافع کشور باشد.

۳-۱. تحلیل انتقادی عملکرد دولت‌های غربی در تعهدات برجامی

یکی از ارکان اصلی گفتمان مقام معظم رهبری در خصوص تعامل با قدرت‌های جهانی، اصل «بی‌اعتمادی به غرب» است که ریشه در شناخت عمیق از ماهیت سلطه‌جویانه و استکباری دولت‌های غربی دارد. تجربه عملکرد این دولت‌ها در تعهدات برجامی، بهترین شواهدی است که صحت و درستی این تحلیل راهبردی را به اثبات می‌رساند. از همان آغاز اجرای برجام، اگرچه ایران به طور کامل و تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تعهدات خود عمل کرد، اما طرف‌های غربی، به ویژه ایالات متحده و اروپا، همواره در اجرای کامل تعهدات خود کوتاهی کردند. این رویکرد نشان داد که برای دولت‌های غربی، توافقات بین‌المللی ابزاری برای دستیابی به اهداف کوتاه مدت است و در صورت تغییر شرایط سیاسی یا داخلی، به راحتی از آن‌ها عبور می‌کنند (Mahdavi-zadeh, 2024, 97).

نقطه عطف و آشکارترین نمونه از بدعهدی غرب، خروج یکجانبه و غیرقانونی دولت آمریکا از برجام در اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ توسط دونالد ترامپ بود. این اقدام که در تضاد کامل با مواد ۲۶ و ۲۸ کنوانسیون وین و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت بود، نه تنها با محکومیت بین‌المللی جدی روبرو نشد، بلکه کشورهای اروپایی ادعای طرفداری برجام نیز عملاً در برابر این زیاده‌خواهی سکوت کردند یا همراهی کردند. این رویداد به وضوح نشان داد که سیاست خارجی آمریکا و متحدانش بر پایه پیمان شکنی استوار است و هیچ تضمینی برای پایداری توافقات با این دولت‌ها وجود ندارد، مگر اینکه متکی بر قدرت و توان داخلی باشد (Mohammadi, 2024: 97). پس از خروج آمریکا، دولت‌های اروپایی (آلمان، فرانسه و انگلستان) با ادعای حفظ برجام و معرفی سازوکار مالی اینستکس، وعده دادند که خسارات ناشی از خروج آمریکا را جبران کنند. اما در عمل، این سازوکار هرگز به مرحله اجرای کامل نرسید و نتوانست کمترین اثری در بهبود روابط تجاری و بانکی ایران داشته باشد. اروپایی‌ها عملاً تحت فشار سیاسی و اقتصادی آمریکا قرار گرفتند و منافع استراتژیک خود را با واشنگتن اولویت‌دارتر از تعهدات قانونی خود به ایران دانستند. این رفتار اروپا ثابت کرد که در مواقع حساس، اروپا نیز همانند آمریکا در صف دشمنی با ملت ایران قرار می‌گیرد و تفاوتی میان دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان یا اروپا و آمریکا در اصل فشار بر نظام اسلامی وجود ندارد. علاوه بر عدم اجرای تعهدات اقتصادی، دولت‌های غربی با بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای و دیپلماتیک، تلاش کردند تا ایران را به عنوان عامل اصلی تنش‌ها و نقض برجام



معرفی کنند. این پروژه ایران‌هراسی و سیاسی‌سازی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، با هدف انزوای ایران و توجیه فشارهای حداکثری طراحی شد. در حالی که گزارش‌های متعدد آژانس تأیید می‌کرد که ایران تا زمان خروج آمریکا به تمام تعهدات پایبند بوده است، غربی‌ها با چرخاندن ادبیات رسانه‌ای، واقعیت‌ها را وارونه جلوه دادند تا فشارهای روانی و سیاسی را بر ملت ایران تشدید کنند. این رویکرد نشان‌دهنده استفاده ابزاری از اخلاق و قوانین بین‌المللی توسط غربی‌ها برای پیشبرد اهداف زیاده‌خواهانه خود است (Kazemi, 2024: 97). در سال ۱۴۰۱ و اوایل ۱۴۰۲، با روی کار آمدن دولت بایدن در آمریکا، مذاکراتی برای احیای برجام در وین و دوحه آغاز شد. اگرچه ایران با نیت خیر و انعطاف فراوان وارد این مذاکرات شد و پیش‌نویس توافق آماده شد، اما دولت آمریکا بار دیگر با زیاده‌خواهی‌های جدید و عدم تضمین‌های لازم برای عدم تکرار تجربه ترامپ، عملاً میز مذاکره را ترک کرد. در سال ۱۴۰۲، دولت بایدن با وجود شعارهای انتخابالی برای بازگشت به توافق، در عمل به سیاست فشار حداکثری ادامه داد و حتی تحریم‌های جدیدی را علیه ایران وضع کرد. این روند نشان داد که تغییر چهره‌ها در کاخ سفید تغییری در ماهیت استکباری سیاست‌های این کشور ایجاد نمی‌کند و آمریکا همچنان به دنبال امتیازگیری یک‌طرفه و بدون هیچ تعهدی است.

در سال ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴، با گذشت زمان و افزایش فشارهای بین‌المللی، غربی‌ها رویکرد خود را از مذاکره مستقیم به ترکیبی از فشار نظامی، ترور و پروژه‌سازی سیاسی تغییر دادند. در این سال‌ها، دولت‌های غربی به جای تلاش برای احیای توافق، با سوءاستفاده از اختلافات منطقه‌ای و همسویی با رژیم صهیونیستی، امنیت ملی ایران را هدف قرار دادند. در سال ۱۴۰۴، با توجه به پیشرفت‌های چشمگیر ایران در حوزه‌های دفاعی و هسته‌ای و کاهش اثرگذاری تحریم‌ها، عملاً پرونده برجام توسط خود غربی‌ها به حاشیه رفت. این وضعیت تأییدکننده دیدگاه رهبر انقلاب مبنی بر این بود که «آمریکا و غرب قابل اعتماد نیستند» و تنها راه نجات، تکیه بر توان داخلی و نادیده گرفتن توهم مذاکره برای حل مشکلات اساسی بود (Azizi, 2023: 55). در نهایت، ارزیابی عملکرد دولت‌های غربی در برجام نشان می‌دهد که تکیه بر توافقاتی بدون پشتوانه قدرت داخلی، خطایی استراتژیک است. تجربه برجام به خوبی درس داد که غرب به دنبال خلع سلاح ایران و توقف پیشرفت‌های علمی و هسته‌ای کشور است و از هر ابزاری برای این منظور استفاده می‌کند. بدعهدی‌های مکرر، نقض عهد، و استفاده زورمدارانه از ابزارهای تحریم، همه مؤید این واقعیت است که در گفتمان مقام معظم رهبری، «دشمن‌شناسی» و «بی‌اعتمادی»



نه یک شعار احساسی، بلکه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای حفظ امنیت و منافع ملی در برابر قدرت‌هایی است که اصول اخلاقی و تعهدات بین‌المللی را نادیده می‌گیرند.

۳-۲. اقتصاد مقاومتی؛ راهکار برون‌رفت از بحران‌های ناشی از وابستگی به غرب

یکی از محورهای اساسی در گفتمان مقام معظم رهبری، تأکید بر اقتصاد مقاومتی به عنوان تنها راهکار پایدار برای عبور از فشارهای اقتصادی و تحریم‌های غربی است. تجربه برجام به وضوح نشان داد که وابستگی اقتصاد کشور به فروش نفت و ارتباطات بانکی با غرب، نقطه ضعف بزرگی است که دشمنان همواره از آن برای اعمال فشار و اخاذی استفاده می‌کنند. رهبر انقلاب همواره هشدار داده‌اند که حل مشکلات اقتصادی نباید به گره خوردن به توافقات خارجی و امید به رفع تحریم‌ها منوط شود؛ زیرا این رویکرد باعث می‌شود کشور در یک انتظار بیهوده و سردرگمی باقی بماند و برنامه‌های توسعه‌ای خود را متوقف سازد. اقتصاد مقاومتی در واقع یک استراتژی دفاعی است که با تکیه بر توانمندی‌های داخلی، مانع از نفوذ اقتصادی و سیاسی دشمن می‌شود (Rezaei, 2019, 17).

اقتصاد مقاومتی بر این باور است که منابع عظیم انسانی، طبیعی و جغرافیایی ایران، ظرفیت آن را دارد که بدون اتکا به بیگانگان، به رشد و شکوفایی برسد. در این مدل، تمرکز بر دانش‌بنیان کردن اقتصاد، افزایش تولید داخلی، و جلوگیری از واردات کالاهایی که مشابه داخلی دارند، در اولویت قرار می‌گیرد. وقتی کشور بتواند نیازهای اساسی خود را از طریق تولید داخل تأمین کند، ابزار تحریم و فشار غرب از کار می‌افتد. مقام معظم رهبری بر این نکته تأکید دارند که «اگر به توان داخلی خود تکیه کنیم، تحریم‌ها نه تنها ضرری نمی‌رسانند، بلکه می‌توانند به فرصتی برای رشد و خودکفایی تبدیل شوند»، موضوعی که در سال‌های اخیر در صنایع دفاعی و هسته‌ای به اثبات رسیده است.

یکی دیگر از ابعاد مهم اقتصاد مقاومتی، اصلاح الگوی مصرف و مقابله با اسراف در سطح کلان و خرد است. وابستگی به غرب اغلب ناشی از یک فرهنگ مصرف‌گرایی است که کالاهای خارجی را برتر از کالاهای ایرانی می‌داند. گفتمان رهبری بر این است که با تغییر فرهنگ عمومی و حمایت از کالای ایرانی، می‌توان بازارهای داخلی را از تسلط برندهای خارجی آزاد کرد. این کار نه تنها باعث حفظ ارز در کشور می‌شود، بلکه با ایجاد اشتغال برای نیروی کار داخلی، امنیت اجتماعی و اقتصادی را نیز تقویت می‌کند. بنابراین، اقتصاد مقاومتی تنها یک برنامه اقتصادی نیست، بلکه یک حرکت فرهنگی-اجتماعی برای استقلال و عزت ملی است (Azizi, 2023: 42). در عرصه روابط خارجی، اقتصاد مقاومتی راهبردی را دنبال می‌کند که بر «نگاه به شرق» و توسعه همکاری‌ها با کشورهای مستقل و همسو تأکید دارد. کاهش



وابستگی به سیستم بانکی و تجاری غرب، مستلزم تنوع‌بخشی به شرکای تجاری و اتصال به بازارهای نوظهور آسیایی و اوراسیایی است. رهبر انقلاب بارها تصریح کرده‌اند که دنیا به سمت چندقطبی شدن می‌رود و سلطه غرب در حال فروپاشی است. اقتصاد مقاومتی با شناسایی فرصت‌های جدید در جهان، اجازه نمی‌دهد که غرب با انحصار تکنولوژی و بازارها، کشور را تحت فشار قرار دهد و ایران را در انزوا نگه دارد.

در نهایت، اقتصاد مقاومتی تضمین‌کننده پایداری نظام و امنیت ملی در برابر توطئه‌های دشمنان است. غربی‌ها تلاش دارند با ایجاد فشار اقتصادی، نارضایتی عمومی ایجاد کرده و اهداف سیاسی خود را پیش ببرند. اما وقتی اقتصاد کشور بر پایه تولید و توان داخلی بنا شده باشد، تاثیرپذیری جامعه از نوسانات سیاسی خارجی کاهش می‌یابد. تجربه نشان داده است که هر زمان مسئولان اجرایی کشور با جدیت بر شعارهای اقتصاد مقاومتی عمل کرده‌اند، تورم کنترل شده و رونق تولید اتفاق افتاده است. بنابراین، پیروی از محورهای گفتمانی رهبری در حوزه اقتصاد، تنها راه برای برون‌رفت از بحران‌های فعلی و جلوگیری از وابستگی مزمن به غرب است (Mohammadi, 2024:40).

۳-۳. درس‌های راهبردی تجربه برجام

مهم‌ترین درس راهبردی که ماجرای برجام برای دیپلماسی آینده ایران به همراه دارد، ضرورت «تغییر باور نسبت به غرب» و پذیرش این واقعیت است که توافق‌های کاغذی نمی‌توانند تضمین‌کننده امنیت و منافع ملی باشند. تجربه برجام نشان داد که حتی در صورت پذیرش هزینه‌های سنگین و انعطاف‌پذیری‌های فراوان، دولت‌های غربی به دلیل ماهیت سلطه‌جویانه خود، پایبند به تعهداتشان باقی نمی‌مانند. بنابراین، دیپلماسی آینده ایران باید بر این اصل استوار باشد که مذاکره تنها یک ابزار تاکتیکی است و نباید به عنوان یک استراتژی اصلی برای حل همه مشکلات، به ویژه در حوزه اقتصادی، تلقی شود. اعتماد به وعده‌های غربی‌ها و انتظار برای لغو تحریم‌ها، بزرگترین تله‌ای است که باید در سیاست‌های آینده به دقت از آن اجتناب شود. درس دوم، لزوم تکیه بر «قدرت سخت و توان داخلی» به عنوان پشتوانه اصلی مذاکره است. در گفتمان مقام معظم رهبری، همواره بر این نکته تأکید شده است که قدرت چانه‌زنی در عرصه بین‌الملل، رابطه مستقیمی با قدرت و اقتدار داخلی دارد. ماجرای برجام ثابت کرد که هر زمان مذاکره‌کنندگان ایرانی با دست خالی و با امید به توافق وارد میز مذاکره شدند، طرف مقابل زیاده‌خواهی‌های بیشتری کرد. دیپلماسی آینده باید طوری طراحی شود که پیش از هرگونه



مذاکره‌ای، ابهام‌زدایی در توان دفاعی و علمی کشور انجام شده و غرب بداند که ایران گزینه‌های متعددی روی میز دارد و مذاکره تنها راه حل ملت ایران نیست، بلکه یکی از گزینه‌های یک قدرت برتر است. درس سوم، اهمیت «هوشیاری در برابر نفوذ و حفظ خطوط قرمز» است. غربی‌ها در جریان مذاکرات برجام تلاش کردند تا از طریق ایجاد شبکه‌های ارتباطی و نفوذ در بدنه تصمیم‌گیری، ساختارهای فکری و امنیتی ایران را تغییر دهند. دیپلماسی آینده جمهوری اسلامی باید با هوشیاری کامل، مرز بین تعامل سازنده و نفوذ مخرب را تشخیص دهد. این بدان معناست که مذاکره نباید به قیمت تسلیم در برابر خواسته‌های غیرقانونی یا عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی تمام شود. حفظ استقلال سیاسی و فرهنگی، و عدم پذیرش هرگونه محدودیت در پیشرفت‌های علمی و دفاعی، خطوط قرمزی است که نباید در هیچ معامله‌ای معامله شود. (Mohamadi, 2023: 87)

درس چهارم، ضرورت «تنوع‌بخشی به شرکای بین‌المللی و نگاه به شرق» است. وابستگی دیپلماسی ایران به غرب و اروپا، یکی از نقاط ضعف بزرگ در ماجرای برجام بود که باعث شد غربی‌ها با سوءاستفاده از این نیاز، ایران را تحت فشار قرار دهند. دیپلماسی آینده باید با اولویت‌بندی روابط با قدرت‌های نوظهور شرق، کشورهای مستقل و همسایگان، وابستگی به غرب را کاهش دهد. توسعه همکاری‌های راهبردی با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، چین، و کشورهای منطقه، می‌تواند توازن قدرت را به نفع ایران تغییر دهد و غرب را وادار کند که با احترام بیشتری با منافع ملی ایران برخورد کند. (Mahdavi, 2024, 37) در نهایت، درس پنجم بر هماهنگی میان «دیپلماسی و اقتصاد مقاومتی» تأکید دارد. ماجرای برجام نشان داد که اگر اقتصاد کشور آسیب‌پذیر و وابسته باشد، دشمن می‌تواند از همین نقطه ضعف برای امتیازگیری در میز مذاکره استفاده کند. دیپلماسی آینده باید بازوی اجرایی اقتصاد مقاومتی باشد و هدف آن، جذب سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب منافع ملی و انتقال تکنولوژی باشد، نه وابسته کردن اقتصاد به کمک‌های خارجی. با تقویت بنیه اقتصادی داخلی و کاهش اثرگذاری تحریم‌ها، ایران می‌تواند از موضع قدرت و با اعتماد به نفس کامل در عرصه جهانی حضور یابد و از مذاکره به عنوان ابزاری برای صلح و پیشرفت استفاده کند.

نتیجه‌گیری

ارزیابی عملکرد دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با دولت‌های غربی در موضوع برجام، نشان می‌دهد که تکیه بر محورهای گفتمانی مقام معظم رهبری، تنها راهکار برای حفظ عزت و منافع ملی بوده است. تجربه سال‌های پس از برجام، به ویژه خروج آمریکا از این توافق در سال ۱۳۹۷، به وضوح صحت



اصل «بی‌اعتمادی به غرب» را که رهبر انقلاب همواره بر آن تأکید داشتند، به اثبات رساند. تحولات سال‌های اخیر نیز نشان داد که تغییر ادبیات و رویکردهای غربی، تغییری در ماهیت استکباری و زیاده‌خواهی آن‌ها ایجاد نکرده است. در این سال‌ها، علیرغم تلاش‌های دیپلماتیک برای رفع تحریم‌ها، دولت‌های غربی با سیاست‌های فشار حداکثری و پروژه‌سازی‌های سیاسی، عملاً نشان دادند که قصد تعامل سازنده و محترمانه با ایران را ندارند و تنها به دنبال امتیازگیری یک‌طرفه هستند. در سال ۱۴۰۲، با وجود تغییر دولت در آمریکا و وعده‌های پوچ برای بازگشت به توافق، واقعیت میدانی نشان داد که غرب همچنان به دنبال ابزارهایی برای تضعیف قدرت نظامی و علمی ایران است. در این سال، گفتمان رهبری مبنی بر «تکیه بر توان داخلی و اقتصاد مقاومتی» بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. مسئولان و دست‌اندرکاران دیپلماسی دریافتند که بدون تقویت بنیه اقتصادی داخلی و کاهش وابستگی به نفت و دلار، هیچ توافقی نمی‌تواند ضامن امنیت و رفاه کشور باشد. این سال درس داد که امیدوار بودن به غرب، مانعی بر سر راه پیشرفت و خودکفایی است و باید با واقع‌بینی سیاسی، توهم‌زدگی را کنار زد.

با توجه به پیشرفت‌های چشمگیر ایران در حوزه‌های دفاعی، هسته‌ای و منطقه‌ای، و همچنین کاهش اثرگذاری تحریم‌ها به دلیل شکستن هژمونی دلار، پرونده برجام عملاً توسط خود غربی‌ها به حاشیه رفت. این وضعیت تأییدکننده دیدگاه رهبر انقلاب مبنی بر این بود که «اگر شما مقتدر باشید، دشمن مجبور به عقب‌نشینی می‌شود». ایران از موضع قدرت با جهان تعامل کرد و نشان داد که وابستگی به توافقات تحقیرآمیز، هیچ توجیهی در سیاست خارجی ندارد. یکی دیگر از دستاوردهای مهم تکیه بر گفتمان رهبری در این سال‌ها، هوشیاری در برابر نفوذ و توطئه‌های فرهنگی-سیاسی بود. دیپلماسی ایرانی با درس گرفتن از تجربه برجام، مرزهای خود با غرب را به درستی تعریف کرد و اجازه نداد که مذاکرات به ابزاری برای تغییر باورهای انقلابی یا عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی تبدیل شود. اولویت سیاست خارجی بر توسعه روابط با همسایگان، نگاه به شرق و عضویت در پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی معطوف شد که این امر، انزوای دیپلماتیک طراحی شده توسط غرب را خنثی کرد. در نهایت، جمع‌بندی ارزیابی دیپلماسی ایران در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که پیروی از محورهای گفتمانی آیت‌الله خامنه‌ای، ضامن بقای و پیشرفت جمهوری اسلامی بوده است. تجربه برجام و سال‌های پس از آن ثابت کرد که غرب قابل اعتماد نیست و تنها راه نجات، تکیه بر خدا، اعتماد به نفس ملی و توان داخلی است. دیپلماسی آینده ایران باید با درس گرفتن از گذشته، بر اصول «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» استوار باشد و اجازه ندهد هیچ قدرت بیگانه برای ملت ایران تعیین تکلیف کند.



References

- Adami, Ali and Mehdi Zulfiqari (2011). The effect of soft power in the public diplomacy of the Islamic Republic of Iran, **Quarterly Journal of Political and International Approaches**, No. 3. (In Persian)
- Ahadi, Afsane (2009). Iran's nuclear program from the perspective of public diplomacy, **Strategy Quarterly**, year 18, number 51. (In Persian)
- Amiri, Mehdi (2022). **National security in the digital era and the challenges of penetration**, Tehran: Mizan Publications. (In Persian)
- Ashna, Hesameddin (2007). public diplomacy and foreign policy; Links and goals, **two quarterly journals of political knowledge**, number 5. (In Persian)
- Azizi, Mahmoud (2023). A comparative study of the approach of Europe and America towards the JCPOA, **Quarterly Journal of European Studies**, No. 42: 70-95. (In Persian)
- Bourdieu, P (1991). Language and symbolic power, Translation by G. Raymond & M. Adamson, Cambridge, MA: Polity.
- Bourdieu, P (1994). *Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste*, Clegg, Styrart R. (1989). Frameworks of power, London: sage.
- Dehghan, Seyyed Mohammad (2018). diplomacy and security; The Narrow Borders of Influence, **Journal of Political Science**, Volume 12, Number 3. (In Persian)
- Dehghani Firouzabadi, Seyed Jalal and Alireza Firouzi (2012). Public diplomacy of the Islamic Republic of Iran during the period of fundamentalism, **Foreign Relations Quarterly**, Year 4, Number 2. (In Persian)
- Foucault, M. (1998). *The will to knowledge: the History of Sexuality*, volume One, Harmondsworth: Penguin.
- Gooringe, H & Rafanell, I (2007). "The Embodiment of Caste: Oppression, Protest and Change", *Sociology*, Vol. 4, No.1.
- Jørgensen, M. and Phillips, L. 2002. *Discourse Analysis as Theory and Method*, London: SAGE Publications Ltd.
- Katouzian, Nasser (2019). **Government and Law in Iran**, Tehran: Publishing Company. (In Persian)
- Kazemi, Maryam (2024). Iran's Economic Diplomacy and Looking to the East in 1403, **Journal of Asian Studies**, Volume 15, Number 2. (In Persian)
- London: Routledge.
- Mahdavizadeh, Mohammad (2024). The role of the statement of the second step of the revolution in directing resistance diplomacy, **Andisheh Political Journal**, No. 58: 40-22. (In Persian)
- Miller, Peter (1994). *Domination and Power*, London: Routledge.
- Mohammadi, Reza (2024). The impact of sanctions on Iran's economy and solutions, **Development Economy Quarterly**, No. 67. (In Persian)
- Mousavi Esfahani, Mohammad (2016). **Soft War and Penetration; Threats and Solutions**, Tehran: Publishing House of Ayatollah Khamenei. (In Persian)



- Parsania, Hamid (2019). **Rereading the Discourse of the Islamic Revolution; Armanha and Armanshahr**, Qom: Publications of Islamic Culture and Thought Research Center. (In Persian)
- Rezaei, Ali (2019). Investigating the cultural dimensions of Western conspiracies in nuclear negotiations, **Strategic Studies Quarterly**, No. 45. (In Persian)
- Shariatmadari, Hossein (2021). **Anatomy of arrogance; A reading on historical documents**, Tehran: Information Publications. (In Persian)